

## روایات داراب هرمزدیار و دستنویس کتابخانه مجلس شورای اسلامی

حمیدرضا دالوند\*

در یک دهه پیش در سی و هفتمین مجلد از فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به همت پژوهشگر ارجمند علی صدراپی خویی و نظارت استاد حائری، مجموعه ای دو جلدی زیر نام مجموعه آثار زرتشتیان، (ج ۲) به شماره ۱۳۷۴۱ و (ج ۱) به شماره ۱۳۷۴۲ معرفی شد. تا جایی که بر می‌آید - البته ممکن است من آگاهی دقیقی نداشته باشم - چنین دستنویس ارزشمندی کمتر مورد بررسی اهالی فرهنگ و زبان‌های باستان قرار گرفته است. نکته جالب توجه، دستنویس‌های متون کهن اوستایی و پهلوی است که در این روزگار هر از چند گاهی در بازار نسخه‌های خطی ایران پیدا می‌شوند و یا خوشبختانه در کتابخانه‌های بزرگ کشور فهرست می‌شوند. از این رو جا دارد که استادان و پژوهشگران این حوزه با حساسیت و دقت بیشتری موضوع را پی‌گیری کنند و در ثبت و فهرست‌نویسی و معرفی و نشر آن‌ها با مراکز نسخه‌پژوهی کشور همکاری کنند.

آنچه بنام مجموعه آثار زرتشتیان فهرست شده است، یک مجموعه آن گونه که در عرف نسخه‌پژوهی معمول است، نیست بلکه کتاب مشهور روایات داراب هرمزدیار است که شانزده برگ نخست آن افتاده است. اگرچه این کتاب ساختاری جُنگ مانند دارد و به لحاظ شکلی یک جُنگ یا مجموعه به نظر می‌رسد ولی چنانکه همه می‌دانیم، اثری مستقل و ادامه یک سنت دیرپا در متون کهن فارسی میانه است. به همین سبب ضروری است به هنگام فهرست‌نویسی و معرفی چنین آثاری در کنار فهرست‌نویسان، کارشناسان حوزه زبان‌های باستان حضور داشته باشند. شاید ناخوشدنی‌ترین خطا در فهرست‌نویسی این اثر، عبارت دو واژه‌ای توصیف زبان دستنویس باشد که بی‌درنگ در پی عنوان کتاب آمده است: (فارسی و سانسکریت).

روایات داراب هرمزدیار به فارسی زرتشتی است و مؤلف یا گردآورنده به ضرورت متن قطعات فراوانی از متون اوستایی و پهلوی را آورده است. البته در برخی موارد قطعات کوچکی به خط سانسکریت برای مخاطب که پارسیان هند بوده‌اند، دیده می‌شوند ولی آنچه که مسلم است، زبان اصلی اثر «فارسی - اوستایی - پهلوی» است. از آنجا چنین خطایی نابخشودنی است که زبان اوستایی و پهلوی آنگونه در سرزمین مادری ناشناخته است و بیگانه که با سانسکریت یکی انگاشته می‌شود. به هر حال این ایرادی به فهرست‌نویسان بزرگوار نیست، بلکه کوتاهی و ناکامی پژوهشگران حوزهٔ زبانهای باستان ایران را می‌رساند، که با نزدیک به یکصد سال پژوهش هنوز تأثیر لازم را در میان پژوهشگران دیگر حوزه‌ها بر جای نگذاشته‌اند.

### روایات داراب هرمزدیار

پس از فروپاشی ساسانیان و پیدایش اسلام در ایران هر چند جامعه دینی کهن ایران دستخوش دگرگونی گسترده و ژرفی شد ولی هنوز در ایران و هند بودند کسانی که به سنت‌های کهن پای‌بند ماندند و به زندگی خود ادامه دادند. در اثر دگرگونی یاد شده، بازماندگان این سنت به گردآوری و تدوین میراث گذشته پرداختند. بسیاری از متون مورد نیاز را تدوین کردند و به فراخور نیازهای روزمره نگاه داشتند.

یکی از راه‌های حفظ و تدوین سنت کهن، رواج شیوه پرسش و پاسخ میان مومنان و پیشوایان دینی بود. محتوای کلی این پرسش‌ها مسائل روزمره دینی، باورها و رسوم آئین زرتشتی است و بازتاب دهندهٔ چالش‌هایی است که جامعه دینی کهن در رویارویی با تحولات تاریخی جامعه ایران و هند با آن روبرو بوده است. پرسشگران پرسیدنی‌ها را طرح کرده‌اند و پیشوایان بر پایه متون کهن و سنت پیشینیان به آنها پاسخ داده و مردم را ارشاد کرده‌اند. یکی از کهن‌ترین مجموعه‌های مدون این پرسش و پاسخ‌ها کتاب مشهور *دادستان* دینیک به پهلوی است که در بردارندهٔ پاسخ‌های منوچهر پیشوای زرتشتیان به مسائل آنها در سده‌های نخستین اسلامی است.<sup>۳</sup> همچنین کتاب دیگری در متون پهلوی بنام *روایت پهلوی* وجود دارد<sup>۴</sup> که اگر چه پرسش و پاسخ محض نیست ولی از نظر ساختار، که مجموعه‌ای از مطالب مختلف، است با متون فارسی زرتشتی همانندی دارد و به همین سبب نیز «روایت» نام یافته است.<sup>۵</sup> از این دو نمونه یاد کردنی در دورهٔ میانه که بگذریم، باید گفت بیشتر متون فارسی زرتشتی یا متون دینی کهن در دورهٔ نو زبان فارسی، ساختار و محتوایی این گونه دارند یعنی روایات یا پرسش و پاسخ‌ها یا گزیده‌هایی از متون کهن برای رفع نیازهای روزمره اهل دین، چه به لحاظ باوری و چه آیینی هستند.

به همین سبب است که در نزد پارسیان «روایت» به گونه‌ای متفاوت‌تر از آنچه که در زبان فارسی رایج است، تعریف شده است: «نوشته‌هایی هستند که در بردارندهٔ پرسش‌ها و پاسخ‌ها دربارهٔ مسائل دینی می‌باشند. این پرسش‌ها و پاسخ‌ها توسط پارسیان هند به دستوران ایران فرستاده شده و از آنها دریافت شده‌اند»<sup>۶</sup>.

در فارسی نو بخشی از متون دیده می‌شود که به لحاظ محتوای آنها و نیز به اعتبار جامعه پدیدآورنده کاربردشان، یعنی جامعه زرتشتیان ایران و پارسیان هند، زیر نام «متون فارسی زرتشتی» از آنها یاد می‌شود.

این متون هم به نظم، مانند «صددرنظم» و «ارداویراف نامه منظوم» و ... و هم به نثر، مانند: «صد در نثر»، «صد در بندهش» و مجموعه‌های روایات و مکتوبات هستند. باز از این میان روایات یا همان پرسش و پاسخ‌های دینی میان زرتشتیان ایران و هند، بخش بزرگ ادبیات یاد شده می‌باشند و بزرگترین و نامدارترین روایات، کتاب دو جلدی *روایات داراب هرمزدیار* است که در سده یازدهم هجری، مقارن روزگار صفویه، در هند تدوین شده است. این کتاب از نظر پرسش و پاسخ‌ها یا همان «روایت» همانند دادستان دینیک و به لحاظ تنوع مطالب با بسیاری از متون پهلوی، از جمله همان «روایت پهلوی»، همانندی دارد.

مجموعه روایت‌های جامعه زرتشتی به طور عمده روایت‌ها یا مکاتبات سده‌های ۹-۱۱ هجری زرتشتیان ایران و هند هستند که سرانجام در سده یازدهم تدوین شدند. مشهور است که در ۸۴۷ یزدگردی نریمان هوشنگ پرسش‌هایی را از هند به ایران آورد و پاسخ گرفت و رفت و بتدریج آمد و شد این پیک‌ها سنت شد و ادامه یافت. این روایت‌ها در حقیقت اسناد دینی و مکتوباتی هستند که در میان خانواده قوام‌الدین پسر کیقباد سنجانه از موبدان و دستوران بزرگ پارسیان هند<sup>۱</sup> پراکنده بودند و پسران و نوادگان او به تدوین‌شان پرداختند و در دفترهایی فراهم آوردند. مدی این روایت‌ها را به دو گونه اصلی تقسیم می‌کند:

الف: روایت‌های فردی: یعنی روایت‌هایی که به نام یک فرد مشخص مشهورند. این اشخاص به‌طور معمول یا پیک‌ها و پیام‌آوران روایت‌ها هستند مثل نریمان هوشنگ که پرسش‌ها را از هند به ایران می‌آورده و پاسخ را می‌برده است و یا کسانی هستند که پرسش برای آنها برده می‌شده است؛ به سخنی دیگر، به نام پرسشگر یا مخاطب اصلی پاسخ دهنده که نامه به آدرس او فرستاده می‌شده است، می‌باشند؛ بعنوان نمونه «روایت‌های برزو» را می‌توان یاد کرد که در اینجا برزو دریافت کننده پاسخ‌ها یا مخاطب نامه‌ها است.

ب: مجموعه روایت‌ها: یعنی در هم کرد همین روایت‌های فردی و مرتب ساختن آنها به تریبی موضوعی یا غیره، در قالب دفترهای جداگانه. بدین معنی که، در اثر گذشت زمان کسانی این روایت‌های فردی را تدوین کرده و به صورت مجموعه‌هایی درآورده‌اند. خود این مجموعه‌ها نیز به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱. روایت‌های گردآوری شده مانند روایت‌های بهمن پونجه، برزو کامدین و هرمزدیار.<sup>۱۰</sup>
۲. روایت‌های طبقه‌بندی شده یعنی آنهایی که مطالبشان به صورت موضوعی فراهم آمده است. مهمترین نمونه‌های این گروه روایات برزو کامدین و روایت معروف داراب هرمزدیار است.<sup>۱۱</sup>

داراب پسر هرمزدیار پسر فرامرز پسر قوام‌الدین پسر کیقباد پسر هرمزدیار پسر پدم پسر کامه پسر نرسنگ پسر ناگن رام از خانواده‌های سرشناس پیشوایان دینی پارسیان در گجرات هند بود.<sup>۱۲</sup> پسران کیقباد دین مردانی اهل قلم بودند و در تدوین اسناد خانوادگی زیر نام روایت کوشیدند. دستور بهمن، یکی از پسران کیقباد، تاریخ پارسیان را زیر نام کیسه سنجان به نظم آورد. از پسران قوام‌الدین کیقباد، برزو نام در ۱۰۰۶ یزدگردی مجموعه روایاتی گردآوری کرد. برادرزاده برزو بنام هرمزدیار پسر فرامرز در سالهای ۱۰۱۲-۱۰۳۳ یزدگردی نیز مجموعه‌ای از روایات پدید آورد که دو دهه بعد پسرش داراب آن را ویرایش کرد و برخی روایت‌ها را بدان افزود و در ۱۰۴۷ یزدگری آن را نهایی ساخت.<sup>۱۳</sup> این اثر که *روایات داراب هرمزدیار* نام گرفته است، از مهمترین و شناخته شده‌ترین مجموعه روایات فارسی زرتشتی است.

از کتاب روایات داراب هرمزدیار تا ۱۹۲۱ م تعداد ۱۰ دستنویس معرفی شده است. پنج دستنویس را وست و پنج دستنویس دیگر را مدی یاد کرده است.<sup>۱۴</sup>

۱- دستنویس دانشگاه بمبئی یا دستنویس B.U.

۲- دستنویس دکتر ویلسن یا دستنویس W.

۳- دستنویس بلسار.

۴- دستنویس کتابخانه ملافیروز.

۵- دستنویس دستور دکتر جاماسب جی منوچهر جی.

۶- دستنویس کتابخانه مهرجی رانا در نوساری یا دستنویس M.R.

۷- دستنویس متاخر دستور ایرج سهراب جی که جز کتابخانه اش به کتابخانه مهرجی رانای نوساری اهدا شده است.

۸- دستنویس متاخر هیرید ادال جی کرساسپ جی آنتیا.

۹- دستنویس اونوالا که در اصل متعلق به هیرید مهرجی بهی کوتر بوده است. همان دستنویسی که

متن چاپ سنگی ۱۹۲۲ م بمبئی از روی آن است و به دستنویس M.U معروف است.

۱۰- دستنویس S.H متعلق به شاپور شو هورموس جی هودی والا.

مدی از این ده نسخه، سه دستنویس SH, MU, BU را کهن ترین نسخه ها بر می شمارد و به توصیف جزئیات آنها می پردازد<sup>۱۵</sup>:

دستنویس S.H با ۸ ترقیمه در میان بخش های مختلف آن، می آید که در طول سالهای ۱۰۴۳-۱۰۵۳

یزدگردی تکمیل شده است. BU با ۱۱ ترقیمه، نسخه ای است که در سالهای ۱۰۴۸-۱۰۴۹ تدوین یافته

است و MU آخرین نسخه به نگارش درآمده توسط داراب است<sup>۱۶</sup> و ترقیمه آن ۱۰۶۱ یزدگردی را نشان می دهد<sup>۱۷</sup>. باقی نسخه ها متأخرتر هستند.

هیرید مانک جی پسر ستم جی پسر جمشید اونوالا در یکصد سال پیش کوشید تا از روی دستنویس

M.U به کتاب میرزا مهدی شیرازی متنی برای انتشار کتاب بصورت چاپ سنگی فراهم آورد و این کار

در ۱۵ اکتبر ۱۹۰۰ م / روز هرمزد ماه اردی بهشت ۱۲۷۰ یزدگردی برابر با ۲۰ جمادی الآخر ۱۳۱۸ ق به

انجام آمد<sup>۱۸</sup>. ولی انتشار آن بیست و دو سال طول کشید و سه سال بعد از مرگ اونوالا (۳ اکتبر ۱۹۱۹ م)،

کتاب در ۱۹۲۲ م با مقدمه عالمانه شمس العلماء جوان جی جمشید جی مدی در بمبئی منتشر گشت.

همچنین ترجمه ای از آن به انگلیسی صورت گرفته است ولی تاکنون متن انتقادی درستی از آن که

مبتنی بر دست نوشته های معتبر باشد، به چاپ نرسیده است.

## دستنویس کتابخانه مجلس شورای اسلامی

دستنویس مجلس در دو دفتر با برگ شماره مشترک در ۵۵۳ برگ با ابعاد ۱۹×۱۶ سانتی متر، میان ۲۱-۲۳ سطر به خط نستعلیق و با جلد پارچه‌ای (برزنت) مشکی، عطف گوشه تیماج فراهم آمده است و به شماره‌های ۸-۱۶۹۰۷ ثبت است.<sup>۱۹</sup> مهر قدیم کتابخانه مجلس به نشان شیر و خورشید در لابه‌لای برگ‌های آن می‌نمایاند که کتاب پیش از انقلاب اسلامی وارد کتابخانه شده است. حال این که چنین اثری از سوی بزرگانی چون ارباب کیخسرو به کتابخانه اهدا شده یا از هر راه دیگری اهدا یا خریداری شده، موضوعی است که برنگارنده روشن نیست.

با این همه باید گفت دستنویس یاد شده ترقیمه<sup>۲۰</sup> «و این نسخه بروز رام و ماه مهر سنه ۱۰۴۹ اختتام یافت»،<sup>۲۰</sup> را دارد. از اینرو در شمار کهن‌ترین دستنویس‌های کتاب داراب هرمزدیار قرار می‌گیرد و به سخنی دیگر، از آثار روزگار مؤلف و یا به خط خود ایشان می‌باشد. پس دستنویسی بس بارز و از نظر زمانی همزمان با دستنویس BU یا نسخه دانشگاه بمبئی است.<sup>۲۱</sup> ولی تفاوت عمده این دو در آن است که نسخه BU یازده ترقیمه اما این دستنویس تنها یک ترقیمه آن هم بدون یاد نام مولف یا کاتب دارد. همچنین، مدی توصیف دقیقی از محتوای نسخه BU بدست نداده که بتوان با دستنویس مورد بحث سنجید. افزون بر این ۱۶ برگ آغاز این دستنویس افتاده است و ترقیمه آن هم چندان گویا نیست، در نتیجه نمی‌توان درست این دو را با هم مقایسه کرد. تنها می‌توانیم بپذیریم که داراب در سالهای ۱۰۴۸-۱۰۴۹ یزدگردی دو نسخه از اثرش را بازنویسی کرده یا در حال ویرایش آن بوده است؛ زیرا همین نسخه مجلس برخی صفحه‌های خالی و ناتمام دارد که در اصل جای مطالبی بوده که نویسنده قصد پرکردن و تکمیل آنها را داشته است. ویژگی دیگر این دستنویس ارجاعات آن است یعنی این که در برخی جاها به مطالب مشابه و مرتبط اشاره می‌کند و می‌نویسد: «به ورق... مرقوم شود/ خواهد شد.»<sup>۲۲</sup> در همه موارد جای شماره ورق خالی است. پایان کتاب با نسخه MU یا دستنویس چاپ شده، فرق دارد و تقریباً همانند نسخه S.H است و دربردارنده کتاب صد در بندهش است.<sup>۲۳</sup>

نگارنده دستنویس مجلس را با متن چاپی اونوالا تطبیق داد و موارد اختلاف آن دو، تنها به لحاظ بود و نبود روایت‌ها در هر دو اثر، در زیر آورده می‌شود. به عبارت دیگر، این فقط تطبیق موضوعی است نه تطبیق واژه به واژه متن زیرا یاد کرد اختلافات واژه به واژه آنها از حوصله این گفتار بیرون است.

### دفتر اول:

۱- از برگ ۱۷ آغاز می‌شود یعنی ۱۶ برگ افتاده است. برگ ۱۷ با بیت: «تن اندر هلاک آمد و پس روان / بیفتاد در دست اهریمنان» آغاز می‌شود. این بخش در متن چاپی (ص ۳۴) مربوط به در چهل و پنجم کتاب صد در نشر است که موضوع آن توبه و داستان توبه جمشید است و به صورت نثر آمده در حالی که بر می‌آید در دستنویس از کتاب صد در نظم استفاده شده است.

۲- تا ص ۱۸ دستنویس و ۳۸ متن چاپی، یعنی پایان عنوان «از روایت بهمن پونجیه»، هر دو متن با

هم مطابقت دارند ولی در همین جا دستنویس دو افزوده دارد: یکی با عنوان «از صد در نظم در چهل و نهم» (۱۸-۱۸پ)، دیگری با عنوان «پتیتی خود اینست که خود کردن و خود گفتن» (۱۸پ - ۲۰) که در آن شرایط و چگونگی و مراحل توبه در ۲۷ مورد و مرحله آمده است.

۳- در ص ۲۱ پ دستنویس (برابر ص ۴۰ متن چاپی) پس از روایت کامه بهره به جای در شصت و دویم کتاب صد در نثر راجع به راستی که در متن چاپی دیده می‌شود، در دستنویس در شصت و هشتم صد در نظم درباره راستی آمده است.

۴- ص ۲۲ ر دستنویس (ص ۴۱ متن چاپی) در شصت و هفتم صد در نظم در نکوهش دروغ دیده می‌شود که متن چاپی آن را ندارد.

۵- ص ۲۸ پ دستنویس (ص ۵۴ متن چاپی) دو افزوده دارد: یکی با عنوان «از روایت بهمن پونجه پرسش زرتشت از جهت داد نیک و بد و پاسخ یزدان با زردشت پیغمبر» در ۱۱ بیت؛ دیگر با عنوان «از روایت نریمان هوشنگ» در دو سطر در خصوص گناه کردن فرد و مانع شدن بزرگ قوم.

۶- ص ۳۰ پ دستنویس (برابر ص ۵۸ متن چاپی)، پس از روایت کاوس کامدین و قبل از روایت کامه بهره، در هفتادمین کتاب صد در نظم در خصوص حذر کردن از دزدی و مال کسان آمده است.

۷- در ص ۳۱ پ - ۴۵ ر دستنویس (برابر ۶۰ متن چاپی) متنی با عنوان «از اینجا نیرنگها نبشته است، برخوانند و بدانند»، آمده که در بردارنده نیرنگهای مختلف حاجت خواستن، کم مردن گوسفندان، نبودن بیماری، دفع سردرد، آشکار کردن دزدان، گرفتن ناخن و ... است. این بخش در متن چاپی نیست.

۸- ص ۴۶ ر دستنویس (برابر ۶۱ متن چاپی)، افزوده ای منظوم با عنوان «فرستادن دادار اورمزد سه چیز را در دنیا و حقیقتهای آن» دارد که تا ص ۴۷ ر ادامه یافته و در خصوص آمدن آدم، آتش و گاو به زمین است.

۹- ص ۴۹ ر دستنویس (برابر ص ۶۵ متن چاپی)، پایان متن صد در بندهش و پیش از متن فصل یازده کتاب صد در نثر، متن منظوم داستان روان گرشاسب (ص ۴۹ ر - ۵۱ پ) آمده است که در متن چاپی وجود ندارد.

۱۰- در ص ۵۶ ر دستنویس (برابر ۷۵ متن چاپی) به جای عنوان «از مکتوب رستم مرزبان» متن چاپی، عنوان «این مکتوب از نوشته دستور اردشیر نوشیروان است»، آمده است که در پی آن دو سطر به شرح زیر دیده می‌شود: «وقتی که دستور اردشیر نوشیروان پیش شاه اکبر آمده بود در هندوستان از شهر دهلی کتابی بنام قیامدین پدم بروچی نوشته بود، اندر آن مکتوب در باب نشاندن آتش ورهرام نوشته بود آن پرسش مرقوم خواهد شد». در حالی که در متن چاپی نامه رستم مرزبانی با عنوان «دیگر آنکه» آمده است.

۱۱- ص ۷۷ متن چاپی (برابر ۵۷ پ دستنویس)، قبل از روایت کامه بهره باب هفتاد و هشت، افزوده‌ای زیر عنوان «پرسش پنجم کجسته ابالش از موبد» دارد که در دستنویس به جای آن روایت کوتاهی از شاپور بروچی در یک سطر آمده است.

۱۲- در ص ۵۹ پ دستنویس (برابر ص ۸۲ متن چاپی) قبل از روایت کاما بن آسا، در هشتاد از کتاب

- صد در نظم دربارهٔ منع بردن نسا به آب و آتش آمده است، که در متن چاپی نیست.
- ۱۳- ص ۸۴ متن چاپی (برابر ۶۰ پ دستنویس) دو روایت یکی از کاووس کامان و دیگری از کامه بهره دارد که متن دستنویس ندارد.
- ۱۴- ص ۶۰ پ دستنویس (برابر ۸۴ متن چاپی) پس از متن باب هشتاد و سوم روایت کامان بن آسا، به ترتیب در هفتاد و پنجم از صد در نثر و در هشتاد و پنجم از صد در نظم آمده است که متن چاپی آن را ندارد.
- ۱۵- ص ۷۸ پ دستنویس (برابر ۹۶ متن چاپی)، در چهل و چهارم از صد در نظم را دارد که در متن چاپی نیامده است.
- ۱۶- ص ۷۸ پ دستنویس (برابر ۹۶ متن چاپی) در سی و هفتم از صدر در نظم را دارد که در متن چاپی نیامده است.
- ۱۷- در ص ۶۹ پ تا ۷۰ ر دستنویس (برابر ص ۹۸ متن چاپی) قبل از روایت کامه بهره، ۲۸ بیت افزوده دارد که زیر عنوان «از کتاب مینوی خرد» آمده است.
- ۱۸- ص ۷۰ تا ۷۰ پ دستنویس (برابر ۹۸ متن چاپی) در پنجاه و ششم کتاب صد در نثر را دارد که در متن چاپی نیامده است.
- ۱۹- ص ۷۰ پ دستنویس (برابر ۹۹ متن چاپی) در ششم کتاب صدر در نظم را اضافه دارد که در متن چاپی نیامده است. همچنین با اندکی فاصله اشاره شده که: «تا اینجا بابت زمین اتمام یافت».
- ۲۰- ص ۷۱ ر دستنویس (برابر ص ۱۰۰ متن چاپی) «روایت کاوس ماهیار» متن چاپی را در ص ۷۲ پ آورده است، جابه‌جایی مطلب است.
- ۲۱- میان ص ۷۱ پ تا ۷۲ ر دستنویس (برابر ۱۰۲ متن) دو برگ افزوده بعدی است، یعنی بیرون از صفحه شمار معمول کتاب بدون آوردن شماره صفحه این دو برگ به کتاب الحاق شده‌اند. این الحاق هم در قلم و هم در تاریخ و نیز هم در زبان با بقیه متن تفاوت دارد ولی موضوع همچنان در خصوص ساختن دخمه است. این لاحق در روز اورمزد تیرماه ۱۱۹۰ یزدگردی از کتاب دستور ماه ونداد نقل شده است. دو صفحه آن (برگ دوم آن) به گجراتی است. *تال علم‌آسانی*
- ۲۲- ص ۹۸ پ دستنویس (برابر ۱۴۶ متن چاپی) درهای هشتاد و هشتم صد در نظم، هفتاد و هشتم، نود ششم صد در نثر، و نود و هشتم صد در نظم را اضافه دارد.
- ۲۳- دستنویس ص ۱۰۳ پ (برابر ص ۱۵۵ متن چاپی) در شصت و چهارم کتاب صد در نظم را اضافه دارد.
- ۲۴- ص ۱۰۴ پ دستنویس (برابر ص ۱۵۶ متن چاپی) مطلبی با عنوان «مکتوبی که بنام مانک‌شاه چنکه شاه آمده بود، از نوشته دستوران ایران»، دارد که در متن چاپی نیامده است.
- ۲۵- متن چاپی ص ۱۵۷ (برابر ۱۰۵ ر دستنویس) باب هشتاد و هشتم از کتاب صد در نثر را دارد که در متن دستنویس نیامده، همچنین در این صفحه دستنویس حاشیه‌ای با نام «از روایت نریمان هوشنگ»



- آمده است که در متن چاپی دیده نمی‌شود.
- ۲۶- ص ۱۰۶ ر دستنویس (برابر ۱۵۹ متن چاپی) در متن ذیل روایت شاپور بروجی دو پرسش و پاسخ افزونتر دیده می‌شود که متن چاپی آن را ندارد. باز در همین صفحه دستنویس دو روایت مستقل دیگر زیر نام «شاپور بروجی» آمده که متن چاپی (ص ۱۶۰) آنها را ندارد.
- ۲۷- باز در همین ص ۱۰۶ ر دستنویس (ص ۱۶۰ چاپی) روایتی از کامدین شاپور در موضوع «مردهای که نامش معلوم نیست» آمده که متن چاپی آن را ندارد.
- ۲۸- در ادامه ص ۱۰۶ پ (ص ۱۶۰ متن چاپی) روایتی از شاپور بروجی در خصوص همان موضوع مرده مجهول نام آمده است که متن چاپی آن را ندارد.
- ۲۹- ص ۱۰۶ پ، (ص ۱۶۰ چاپی)، دو روایت یا چند پرسش و پاسخ از شاپور بروجی در خصوص مرده کودکان دیده می‌شود که در متن چاپی دیده نمی‌شوند.
- ۳۰- ص ۱۰۷ ر دستنویس (ص ۱۶۱ متن چاپی) دو روایت دیگر از شاپور بروجی دارد که در متن چاپی نیامده است، همچنین روایتی که از وی در متن چاپی (ص ۱۶۱) آمده در متن دستنویس (۱۰۷ ر) مفصل‌تر است و افزوده‌هایی دیگر دارد.
- ۳۱- متن چاپی ص ۱۶۱-۱۷۰ (ص ۱۰۷ پ دستنویس) در بردارندهٔ سروده‌هایی با عنوان: «وصیت کردن دستور نوشیروان فرزند خود را و پند دادن از بهر وفات خویش از روایت بهمن پونجیه مرقوم می‌شود» است که در متن دستنویس نیامده‌اند.
- ۳۲- ص ۱۷۲ متن چاپی (ص ۱۰۸ ر دستنویس) روایتی از نریمان هوشنگ آمده که متن دستنویس آن را ندارد.
- ۳۳- ص ۱۷۳ متن چاپی (ص ۱۰۸ پ دستنویس) دو بیت زیر نام روایت بهمن پونجیه دارد که در دستنویس نیامده است.
- ۳۴- ص ۱۰۹ ر دستنویس (ص ۱۷۴ متن چاپی) مطلبی از کتاب *رداویراف* تصنیف زرتشت بهرام در خصوص پل گذار و مردمان بی‌فرزند آورده است که در متن چاپی نیست.
- ۳۵- ص ۱۱۰ پ دستنویس (برابر ۱۷۶ متن چاپی) در پنجاه و هشتم کتاب صد در نظم را دارد که در متن چاپی نیامده است.
- ۳۶- ص ۱۱۱ پ دستنویس (ص ۱۷۸ متن چاپی) روایتی از شاپور بروجی است که در متن چاپی نیامده است.
- ۳۷- ص ۱۱۹ پ دستنویس (ص ۱۹۸ متن چاپی) در چهل ششم کتاب صد در نظم آمده که در متن چاپی نیست.
- ۳۸- ص ۲۰۳-۲۰۴ متن چاپی (برابر ۱۲۱ پ دستنویس) ۲۰ بیت در خصوص همیمال دارد که، متن دستنویس فاقد آن است.
- ۳۹- ص ۱۲۲ ر دستنویس (ص ۲۰۵ متن چاپی) در شصت و پنجم کتاب صد در نظم را نقل کرده ولی



متن چاپی از ۶ بیت آخر آن آغاز می‌کند و ۱۵ بیت افزوده دارد. یعنی ۱۰ بیت از آغاز کم دارد ولی در پایان ۱۵ بیت اضافه دارد.

۴۰- ص ۱۳۱ ر دستنویس (برابر ص ۲۳۳ متن چاپی) قبل از در شانزدهم صد در نثر، باب ۸۶ از کتاب صد در نظم را آورده است که متن چاپی آن را ندارد و تنها در ص ۲۲۴ تعداد ۹ بیت پایانی آن آمده است.

۴۱- ص ۱۳۲ ر دستنویس (۲۲۵ متن چاپی) در هشتاد و هفتم کتاب صد در نظم آمده که در متن چاپی در پایان بخش مربوط به پرسش زرتشت از هرمزد درباره زن بنابر وندیدارد فرگرد پنجم یعنی در صفحه‌های ۲۲۶-۲۲۷ دیده می‌شود.

۴۲- در ص ۱۳۳ ر آمده است: دستور برزو قوام الدین در سنه ۹۹۶ در هندوستان کتاب روایت تالیف کرده است.

۴۳- ص ۱۳۹ پ - ۱۴۰ ر در دستنویس (ص ۲۳۹ متن چاپی) در نود و دوم از صد در نظم آمده که در متن چاپی نیست.

۴۴- ص ۱۳۷ ر دستنویس (ص ۲۳۹ متن چاپی) روایت شاپو بروچی در آغاز افزوده‌ای دربارهٔ ریمن شدن ناسالار دارد که در متن چاپی نیامده است.

۴۵- ص ۱۴۰ پ دستنویس (ص ۲۴۰ متن چاپی) در چهل و دوم کتاب صد در نظم را دارد که متن چاپی ندارد.

۴۶- ص ۱۴۰ پ دستنویس (ص ۲۴۰ متن چاپی) قطعه‌ای از کتاب صد در بندش درباره پرهیز از فلز را دارد که در متن چاپی نیامده است.

۴۷- ص ۱۴۱ پ دستنویس (ص ۲۴۲ متن چاپی) باب هفتاد و هشتم از کتاب صد در نظم را دارد که در متن چاپی نیامده است.

۴۸- در ۱۴۴ ر - ۱۴۴ پ دستنویس (ص ۲۴۶ متن چاپی) تعداد ۲۷ بیت در خصوص موی ریش و سر دارد که متن چاپی ندارد.

۴۹- ص ۱۴۸ ر دستنویس (ص ۲۵۵ متن چاپی) صورت منظومی از روایت بهمن پونجیه در خصوص قصه جمشید دارد که در متن چاپی در ص ۲۵۹ آمده است.

۵۰- ص ۱۵۳ پ دستنویس (ص ۲۶۴ متن چاپی) روایتی دیگر از سر بریدن حیوانات دارد که در متن چاپی نیامده است.

۵۱- ص ۱۵۴ ر دستنویس (برابر ۲۶۴ متن چاپی) روایت‌های شاپور بروچی افزوده‌های دیگری دارد که در متن چاپی دیده نمی‌شود.

۵۲- ص ۱۵۶ ر - ۱۵۶ پ دستنویس (برابر ۲۶۸ متن چاپی) روایتی از مکتوب کاوس ماهیار و روایتی از دستور برزوحی در خصوص حکم روغن گوسفند و میوه از دست غیر بهدین دیده می‌شود که در ص

۲۷۱ متن چاپی آمده و به جای آن در صفحه‌های ۲۶۸ - ۲۷۰ متنی از مینوی خود در موضوع خوردنی‌ها آمده است.

- ۵۳- ص ۱۵۸ ر دستنویس (۲۷۳ متن چاپی) چند بیتی از کلام مینوی خرد و در چهل سوم صد در نثر را به نظم آورده که در متن چاپی دیده نمی‌شود.
- ۵۴- ص ۲۷۳ متن چاپی (۱۵۸ ر متن دستنویس) روایتی از کاووس کامان در کشتن خرفستران آورده که در متن دستنویس دیده نمی‌شود.
- ۵۵- ص ۱۵۸ پ دستنویس (ص ۲۷۵ متن چاپی) در چهل و هفتم کتاب صد در نظم را دارد که در متن دستنویس نیامده است.
- ۵۶- ص ۱۶۰ پ دستنویس (ص ۲۷۷ متن چاپی) در هشتاد و دو از کتاب صد در نظم را دارد که در متن چاپی دیده نمی‌شود.
- ۵۷- ص ۲۹۲ متن چاپی (ص ۱۶۸ ر دستنویس) ذیل روایت شاپور بروجی افزوده‌ای دارد که در متن دستنویس نیست.
- ۵۸- ص ۱۶۸ ر - ۱۶۸ پ دستنویس ذیل روایت دیگری از بهمن پونجیه قطعه‌ای کوچک بصورت منظوم آمده که متن چاپی آن را ندارد. این با بقیه متن که بصورت منظوم پرسش زرتشت درباره کار نیک است (ص ۲۹۳ - ۲۹۴ چاپی، ۱۶۸ پ - ۱۶۹ ر دستنویس) فرق دارد.
- ۵۹- ص ۲۹۵ متن چاپی (ص ۱۶۹ پ دستنویس) بخشی از مینوی خرد را دارد که در متن دستنویس نیامده است.
- ۶۰- ص ۱۷۰ ر دستنویس (ص ۲۹۶ متن چاپی) روایتی از شاپور بروجی و در ششم کتاب صد در نثر آورده است که در متن چاپی دیده نمی‌شود.
- ۶۱- ص ۱۷۱ پ دستنویس (ص ۲۹۹ متن چاپی)، به جای متن منثور مینوی خرد درباره گناهان گران که در متن چاپی دیده می‌شود، متن منظوم آن آمده است.
- ۶۲- ص ۳۰۰-۳۰۴ متن چاپی (۱۷۲ ر دستنویس)، روایتی درباره گناهکار زیر نام «روایت کامه بهره و نیز حکایتی منظوم» در باب وزن هر یک گناه و نام ایشان، آورده که در متن دستنویس نیست.
- ۶۳- ص ۳۰۵-۳۰۶ متن چاپی (برابر ص ۱۷۲ پ - ۱۷۳ ر دستنویس) روایتی از کاوس کامان دارد که به جای آن در متن دستنویس روایت دیگری از کامه بهره آمده است. و در ص ۱۷۳ پ دستنویس از سطر دوم تا شش سطر به پایان صفحه مانده، جای یک روایت خالی مانده است که ممکن است برای همین روایت کاوس کامان متن چاپی باشد.
- ۶۴- ص ۱۷۴ ر دستنویس (۳۰۷ متن چاپی) روایتی از کاوس کامان درباره گناه و جزای قتل و قاتل دارد که در متن چاپی دیده نمی‌شود.
- ۶۵- ص ۱۷۴ پ دستنویس (ص ۳۰۷ متن چاپی) روایتی درباره توجش قمار و لوتی دارد که متن دستنویس آن را ندارد.
- ۶۶- در متن دستنویس ص ۱۷۵ ر (ص ۳۰۸ متن چاپی) روایتی از کامه بهره درباره گناه همیمال آمده که ادامه آن را در ورق دیگری از متن ارجاع داده است ولی شماره ارجاع مشخص نیست. این روایت در

متن چاپی نیست.

۶۶- ص ۱۷۵ ر دستنویس (ص ۳۰۹ متن چاپی) روایتی از کامدین شاپور دارد که در متن چاپی نیامده است.

۶۸- ص ۱۷۵ پ تا ۱۷۶ ر دستنویس قطعه‌ای منظوم درباره فعل غلامبارگی دارد که با ابیات ص ۳۱۰ متن چاپی هم در محتوا و هم در شمار متفاوت است. متن دستنویس مفصل‌تر است و ابیات متن چاپی از ارداویراف نامه منظوم هستند.

۶۹- ص ۱۷۶ ر دستنویس (ص ۳۱۰ متن چاپی) در دو سطر اشاره به باب نهم صد در نظم درباره جزای گناه غلامبارگی دارد که در آن را به ورق دیگری حواله می‌دهد اما جای شماره ورق خالی است.

۷۰- ص ۱۷۶ ر دستنویس (ص ۳۱۰ متن چاپی) قطعه‌ای درباره توجش لوتی دارد که در متن چاپی نیست.

۷۱- بطور کلی از ص ۱۷۶ پ تا ۱۷۸ پ دستنویس (ص ۳۱۰ - ۳۱۱ متن چاپی) روایتی در پنج صفحه درباره آداب خوردن آمده که در ۳۴۶ - ۳۵۱ متن چاپی دیده میشوند، یعنی جابجایی مطلب وجود دارد.

۷۲- در ص ۱۷۹ ر دستنویس (ص ۳۱۱ متن چاپی) روایتی از شاپور بروجی به استناد صد در بندهش آمده که متن چاپی آن را ندارد.

۷۳- در ص ۱۷۹ پ دستنویس، جای ۶ سطر خالی است و از سطر ۷ «داستان در قید داشتن اهریمن و دیوان بوسیله طهمورث و سبب گمیز گاو مالیدن» که در متن چاپی (ص ۳۱۲-۳۱۵) به صورت منظوم آمده، بصورت نثر آغاز می‌شود و تا ۱۸۰ پ دستنویس ادامه دارد.

۷۴- ص ۱۸۰ پ تا ۱۸۱ ر دستنویس (ص ۳۱۵ متن چاپی) چکیده‌ای منظوم از داستان طهمورث را دارد که با متن منظوم متن چاپی متفاوت است و آمده که از صد دری است که از ملک ایران آمده است. بنابر بیت‌های پایانی آن سراینده این قطعه «بهزاد رستم» بوده است.

۷۵- روایت کامدین شاپور در متن دستنویس (ص ۱۸۲ ر - ۱۸۳ پ) نسبت به متن چاپی (ص ۳۲۲-۳۲۵) خلاصه‌تر است، به این صورت که در دستنویس گاه تنها به نام یا آغاز و انجام دعاها اشاره شده در صورتی که در متن چاپی همه آنها دیده می‌شود.

۷۶- به تدریج از این صفحه‌ها به بعد بخش پایانی کتاب یعنی آفرینها و دعاها روزانه و نمازهای واجب و مستحب آغاز می‌شوند که در دستنویس مذکور نسبت به متن چاپی پس و پیش‌های فراوانی دیده می‌شود که ذکر همه آنها در اینجا ملال‌آور است. با این حال اختلاف کلی دو متن در بخش پایانی در آوردن و نیاوردن روایت‌های مربوط به هر دعا یا نماز است که بطور معمول در متن دستنویس این روایت‌ها بیشترند

۲- به طور معمول متن دستنویس دعاها و آفرین‌ها را به خط فارسی / عربی آورده است در حالی که در متن چاپی اغلب به خط اوستایی هستند ۳- چون بسیاری از آفرین‌ها برای کاربر شناخته شده بوده اند، گاه در هر دو اثر تنها به آغاز و انجام و یا نام آنها اکتفا شده است.

۷۷- ص ۲۵۷ پ دستنویس (ص ۴۹۸ متن چاپی) به جای قطعه منظوم در چهل و یک، تصنیف بهزاد

این رستم از در مذکور آمده است.

۷۸- دستنویس مجلس در سطر ۹ ص ۵۲۷ متن چاپی تمام می‌شود. به سخنی از ص ۵۲۷-۶۱۵ متن چاپی را ندارد و این بخش در آغاز دفتر دوم آمده است.

### دفتر دوم:

۱- از ص ۲۷۳ ر تا ۳۱۳ ر دستنویس که طبق متن چاپی متعلق به جلد اول کتاب است، در آغاز جلد دوم قرار دارد.

۲- جلد دوم از ۳۱۳ پ دستنویس آغاز می‌شود ولی نه پیوستار معنایی و ساختاری کتاب، نه برگ شمار آن و نه قید هر گونه عنوانی، هیچ یک به این موضوع اشاره ندارد. در حقیقت متنی یک پارچه است که در دستنویس حاضر در ص ۲۷۲ پ به دو بخش تقسیم شده و در متن چاپی مطابق با ص ۳۱۳ پ از هم جدا شده است.

۳- کتاب علما اسلام در دستنویس حاضر سه روایت دارد، روایت سوم به نقل از روایت کامه بهره است که میان صفحه‌های ۳۶۰ ر - ۳۶۴ ر قرار گرفته است و در متن چاپی تنها دو روایت آمده است.

۴- از ص ۳۶۴ ر - ۳۷۳ پ دستنویس (ص ۸۶ متن چاپی) دارای مطلبی از روایت کامه بهره است که در صفحه‌های ۱۳۰-۱۴۸ متن چاپی آمده است. به سخنی دیگر، جابجایی دیده می‌شود.

۵- از ص ۳۹۶ ر - ۳۹۸ پ دستنویس (ص ۱۴۸ متن چاپی) افزوده‌ای دیگر از روایت‌های مربوط به جاماسب دیده می‌شود که در متن چاپی نیست.

۶- ص ۴۱۹ ر- ۴۲۵ پ دستنویس برابر با ۱۴۹ - ۱۶۳ متن چاپی است. نسبت به متن چاپی، جابجایی در مطالب دستنویس دیده می‌شود.

۷- ص ۱۶۴ - ۱۹۲ متن چاپی، کتاب وصف امشاسپندان از زند و نندیداد به صورت منظوم آمده، دستنویس مذکور از ۴۲۶ ر تا سطر اول ص ۴۲۸ پ متنی منثور زیر نام «خاصیت هر یک روز را...» آورده است.

۸- از پایان سطر اول ص ۴۲۸ پ متن دستنویس تا میانه ص ۴۲۹ پ آن خالی است.

۹- بطور کلی در جلد دوم اختلافات عمده بر سر جابجایی متن‌ها است، یعنی نسبت به جلد اول که تقریباً کلیت مطالب و توالی آنها در هر دو اثر مطابقت می‌کند، در جلد دوم به این صورت نیست؛ بلکه مطالب هر دو اثر نسبت به یکدیگر پس و پیش هستند.

۱۰- در میانه جلد دوم از ص ۲۸۲-۳۵۴ متن چاپی، گرایش به آوردن صورت منظوم روایات هست در صورتی که در متن دستنویس صورت منثور آنها آمده و حجم ابیات درج شده با متن چاپی مطابقت ندارد.

۱۱- در دستنویس بویژه در جلد دوم در خصوص متن‌های اوستایی و پهلوی گرایش به استفاده از خط فارسی یا عربی است؛ در حالی که در متن چاپی از خط اوستایی و پهلوی استفاده شده است.

۱۲- پایان هر دو اثر با هم تفاوت اساسی دارد، یعنی تنها تا ص ۴۵۸ متن چاپی و ۵۲۲ پ متن

دستنویس با هم مطابقت دارند و پایان بخش دستنویس مورد بحث، کتاب صد در بندهش است (۵۲۲ پ - ۵۵۳ پ).

### نتیجه:

با توجه به موارد اختلاف بالا که متن دستنویس مجلس نسبت به متن چاپی افزوده‌های بیشتری دارد و مطالبی در آن دیده می‌شود که در متن چاپی نیامده است، بنظر می‌رسد در این فرضیه که مبتنی بر زمان نگارش دستنویس‌ها است و بر پایه آن گمان برده می‌شود دستنویس M.U یا متن چاپی اونوالا آخرین ویرایش کتاب از سوی مولف است، پس باید متنی کامل باشد؛ تأمل بیشتری لازم است. حال این پرسش پیش می‌آید که آیا دستنویس M.U اگر چه آخرین نوشته در زمان مولف است، دستنویس کاملی است یا مولف بر آن بوده تا نسبت به تکمیل و اصلاح آن بکوشد؟!

با این همه در پاسخ باید گفت آنچه پیداست این تفاوت‌ها تنها به دو دستنویس مجلس و متن چاپی محدود نیست و آنگونه که از توصیف‌های مدی بر می‌آید، همه آنها اختلافات چشمگیری با هم دارند و دستنویس‌هایی که در فاصله سالهای ۱۰۴۳-۱۰۶۱ی در زمان مولف پدید آمده‌اند، تلاش برای نشر یک اثر مشخص نیست، بلکه فرایندی تدریجی برای گردآوری و تدوین اسناد دینی یکی از دودمانهای پیشوایی در میان پارسیان هند است. گردآوردندگان برآنند تا سنتی که طی یکی دو سده پیشتر در ارتباط با مراکز عقیدتی زرتشتیان ایران مکتوب شده است، به نحوی کاربردی تدوین شود و در دسترس مومنان قرار گیرد. واقعیت این است که مجموعه روایات پارسیان، بویژه کتاب داراب هرمزدیار یک اثر با طرح مشخص و اهداف معین نیست و انسجام یک اثر متعارف را ندارد، بلکه کشکولی از موضوعات مختلف دینی و آیینی است و همچنان که در این فرایند شاهد هستیم برای چنین کاری کف و سقف معینی وجود ندارد. بعنوان نمونه برزو کامدین، هرمزدیار، داراب و دیگران هر کدام مجموعه‌ای فراهم آورده‌اند که کما و بیش مانند هم هستند، با این که اختلاف‌هایی هم با یکدیگر دارند. اگر هر یک از اینها از آنچه که هستند کمتر یا بیشتر بودند، باز یک مجموعه روایات به شمار می‌آمدند. به سخنی هیچ یک کامل نیستند زیرا از این اسناد و مکتوبات خانوادگی هر کس به فراخور دسترسی به آنها صورتی را ارائه کرده است. از اینرو در تصحیح و نقدشان بهتر است به گونه‌ای جدای از نگاه معمول بنگریم و به جای دست یافتن به نزدیک‌ترین متن موردنظر مولف، در جهت تکمیل فرایندی که مولف و پیشینیان یا همروزگاران در قالب آن حرکت کرده‌اند، بکوشیم، یعنی نگاهی حداکثری در تطبیق دستنویس‌های موجود داشته باشیم. هر دستنویسی که مفصل‌تر است، فارغ از زمان نگارش آن، اصل قرار گرفته و به کمک دیگر دستنویس‌ها کامل شود. بنیاد کتاب نیز بر همین رویه است و گردآورنده کوشیده تا روایت‌های به ظاهر متفاوت که در اصل هماندهایشان بیشتر از اختلافشان است را به صورت موضوعی کنار هم قرار دهد. از اینرو شاید همین رویکرد تکمیل‌گرایی یعنی آوردن همه روایت‌ها و افزوده‌های دیگر دستنویس‌ها در متن نهایی، راهکاری منطقی و موافق با روح و منطقی فرایند تدوین کتاب باشد. در تصحیح این کتاب به جای شیوه‌های معمول کتاب‌های تاریخی، بیشتر باید از شیوه‌های رایج در

حوزه متون روایی و داستانی بهره جست. آنچه در اینجا اهمیت دارد، روایت‌ها و مضمون و محتوای آنها هستند، حتی اگر افزوده بعدی باشند و اگر تصحیح انتقادی صورت بگیرد باید در پیوند با نسخه‌های یک روایت باشد نه کلیت و پیوستار یک نسخه با دیگر نسخه‌ها.

### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- صدرایی خوئی، علی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، قم ۱۳۷۷، ج ۳۷، ص ۲۷۱-۲۷۹.
- ۲- پیشین، ص ۲۷۱، ۲۷۷، ۲۷۹.
- ۳- تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۵۰-۱۵۳.
- ۴- نک. روایت پهلوی، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران ۱۳۶۷، سراسر کتاب.
- ۵- تفضلی، ص ۱۵۳.

6- Modi, j.j. 'Introduction', Dārāb Hormazyār's Rivāyat, vol. 1, Bombay 1922, p.2.

7- Ibid, p.4.

8- Ibid, p.24, 55.

9- Ibid, p.4-5.

10- Ibid, p.5-17.

11- Ibid, p.18.

12- Ibid, p.19.

13- Ibid, p.55-56.

14- Ibid, p.19.

15- Ibid, p.19-47.

16- Ibid, p.20-21.

17- Ibid, p.42



- داراب هرمزدیار، روایات داراب هرمزدیار، بمبئی ۱۹۲۲، ج ۲، ص ۴۸۰.

۱۸- داراب، ج ۲، ص ۴۸۰.

۱۹- صدرایی خوئی، ج ۳۷، ص ۲۷۷، ۲۷۹.

۲۰- دستنویس کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۳۷۴۱، ج ۲، برگ ۵۵۳ پ.

21- See Modi, p. 38-41.

۲۲- به عنوان نمونه نک. دستنویس، برگ‌های: ۱۴۱ پ، ۱۴۶ ر، ۱۴۸ ر، ۱۷۵ ر، ۱۷۶ ر.

۲۳- دستنویس، برگ‌های ۵۲۲ پ - ۵۵۳ پ.